مجله ی بین المللی تحقیقات علمی علوم اجتماعی
مجله البحوث العلمية العالمية للعلوم الاجتماعية
Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi
International Journal of Social Science Research

دیوان

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

جلد: ۰۲ شماره: ۰۲ سال: ۱۴۰۰
Volume: 2 Issue: 2 Year: 2021

شعر از چشم انداز دین
حكم الشعر في الإسلام
Dini Bakış Açısıyla Şiir
Poetry from the Perspective of Religion
Doi: <http://dx.doi.org/10.48117/Diwan.2021.11>

دوكتور ناصر الدين مظهری*

Makale Bilgisi / Article Information

Makalenin Türü/Article Type: Araştırma makalesi/Research Article

Geliş Tarihi / Received Date: 08.02.2021

Kabul Tarihi / Accepted Date: 30.05.2021

معلومات مقاله / المعلومات للمقالة

نوع مقاله / نوع المقالة: تحقیقی / تحقیقیة

تاریخ دریافت مقاله / تاریخ استلام المقال:

تاریخ پذیرش مقاله / تاریخ قبول المقال:

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین (Turnitin) بررسی شده (plagiarism) یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

قد خضع المقال لبرنامج فحص الانتحال (Turnitin) ولم يثبت أنه من السرقات الأدبية.

Bu makale, Turnitin yazılımınca taranmıştır. İntihal tespit edilmemiştir.

This article has been scanned by Turnitin. No plagiarism detected.

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی

ناصر الدین مظهری، "شعر از چشم انداز دین"، مجله دیوان ۲/۲ (سرطان ۱۴۰۰)، ۷۱-۸۷.

Atıf

Nasseruddin Mazhari, "Dini Bakış Açısıyla Şiir", Diwan Dergisi 2/2 (Temmuz 2021), 71-87.

* عضو کادر علمی دانشکده شرعیات دانشگاه محمد ییک کارامان / ترکیه.

ORCID ID: 0000-0002-9914-7752

چکیده

واژه های کلیدی:

شعر، موافقان، مخالفان،
هنر، شاعری.

در ازنای تاریخ اسلام موضع بزرگان دین در قبال شعر متفاوت بوده است. با وصف اینکه خود پیامبر (ﷺ) شاعران را تحسین میکرده، بعدها در قبال شعر و شاعران بی مهری صورت گرفته است. عده ای از علمای اسلام ذوق شعری و ادبی سرشار داشته اند. حتی این طیف اندوخته های علمی خویش را در شعر قالب ریزی نموده برای استفاده ای نسل های بعدی ماندگار ساخته اند. عده ای دیگر هم یا از سر بی ذوقی و یا از سر جمود قریحه شعر را فضولی انگاشته و اشتغال به آن را درخور علمای دین ندانسته اند و به آن به دیده ای تحقیر نگریسته اند. دیدگاه اولی ضمن اینکه شعر را محترم میپندارد، آن را وسیله ای رسا برای رساندن پیام دینی، ملی و علمی نیز می داند. اما دیدگاه دوم با فهم ناقص و جمود طبع، هرگونه شعر و غزل را به دیده ای تردید نگریسته، اشتغال به آن را بیهوده می انگارد. باید خاطر نشان کرد که هر دو دیدگاه آبخور قرآنی و حدیثی دارند. در این مقاله استدلال هر دو طرف از آیات و احادیث پیامبر (ﷺ) مورد بررسی قرار گرفته نتیجه گیری شده است.

مُلَخَّص

الكلمات المفتاحية:

الشعر، الموافقون،
المخالفون، الفن،
الشاعرية.

كان النبي (ﷺ) يحث الشعراء ويقدرهم، ثم قلّ الاهتمام بالشعر والشعراء في مر العصور من بعده، حتى اختلفت آراء العلماء تجاه الشعر في التاريخ الإسلامي. وقد كان لبعض العلماء الذوق المرفه بالشعر والأدب، حتى خلف بعضهم آثاراً علمية قيمة في الشعر للأجيال اللاحقة. ومنهم من كانوا يقللون من شأن الشعر ويرون أن الاشتغال به لا يليق بعلماء الدين، وذلك لبلادة حسهم وفساد ذوقهم أو من جمود قريحتهم. وأما الرأي الأول، إضافة إلى تحسین الشعر وتقديره له؛ يرى أنه خير وسيلة لتبليغ رسالة الدين ونقل أفكار الأمم ومعتقداتها ونشر العلم، بينما الرأي الثاني بموقفه السلبي وطبعه الضعيف يرفض الشعر كله، ويرى الاهتمام به من الفضول التي لا فائدة فيها. على كل حال؛ كل من الرأيين استنبط أهله من القرآن الكريم والأحاديث النبوية الشريفة، وهذا المقال تناول أدلة الرأيين ثم ذكر ما توصل إليه من نتائج.

Anahtar Kelimeler: Özet

Şiir, Onaylayanlar,
Karşıtlar, Sanat, Şairlik.

Tarih boyunca âlimlerin şiire karşı tutumları farklılık arz etmiştir. Bizzat Peygamber Efendimiz şairleri överken sonraki dönemlerde şiir ve şairlere karşı tutumlar değişmiştir. Bazı âlimler şiire ve edebiyata ilgi duymuşlar ve ilmî birikimlerini şiir kalıplarına dökerek sonraki nesillere şiir yoluyla aktarmışlardır. Şiirle uğraşmayı sevmeyen âlimler de şiirle uğraşmayı boş iş olarak görmüşler, hatta bunu küçümsemişlerdir. Birinci gruptakiler şiiri benimsemişler ve onu millî, ilmî ve dinî mesajı ulaştırmanın bir vesilesi olarak görmüşlerdir. İkinci gruptakiler ise yanlış bakış açısıyla şiire mesafeli durmuşlar, ve şiirle iştigaletmeyi boş iş olarak görmüşler. Şunu belirtmek gerekir ki her iki görüş için de Kur'an ve Hadisten deliller mevcuttur. Bu makalede her iki tarafın delilleri değerlendirilmeye alınarak netice elde edilmiştir.

Keywords:

Poetry, agree,
opponents, art,
Poetrist.

Abstract

Throughout the history of Islam, the attitude of religious leaders towards poetry has been different. Although the Prophet (PBUH) himself valued and encouraged the poets, but it seems like the attitude towards poetry and poets became too weak later on.

Some Islamic scholars have high interest to poetry and literature. They even have formatted their scientific researches in poetry for the use of the next generations. On the other side of aisle there are some Muslim schoolers with negative point of views against poetry and they looked at it as a down point for all Muslim schoolers, that is because either they don't have that capacity to recognize the Value of poetry or they never had that sense and feeling to feel the beauty of it.

The first view, while they respected poetry, they also considers it as one of the greatest way to transfer any kind of scientific, religious, and national messages to the next generation. But the second view, with an incomplete understanding and lack of that sense and feeling, have looked at any poem and lyric in a skeptical way, and have also considered it useless to engage with it. It should be also noted that both views have a Quran and hadith source. In this article, the argument of each sides had been examined and concluded.

مقدمه

از آغاز صدر اسلام ما شاهد دو دیدگاه و برداشت متفاوت در قبال شعر و شاعری بوده ایم. دیدگاه بد بینانه ای فقیهانه و دیدگاه خوش بینانه ای ادیبانه. برای اهل علم پیداست که خود پیامبر اسلام (ﷺ) در برابر شعر حماسی دیدگاه مثبت داشته است. حتی ایشان حسان بن ثابت را به شعر و "حتی به هجو گوئی مشرکین تشویق نموده، روح القدس را همگام و هم زبانش"^۱ معرفی میکرد. نظر ایشان در باره ای شعر غیر حماسی هم متفاوت نبود. "چنانچه کعب ابن زهیر نزد ایشان قصیده ای مشهور (بانت سعاد) را بعنوان معذرت از هجوهای قبلی خویش زمزمه نمود و مورد تحسین و تکریم پیامبر (ﷺ) قرار گرفت"^۲. در زمان صحابه ای پیامبر (ﷺ) و تابعین نیز طرز دید های مختلف در قبال شعر و شاعری وجود داشت. بعضی آن را مکروه و غیر مرغوب می پنداشتند و روایت و شنیدن آن را در محافل و مجالس حرام قلمداد میکردند. گروهی دیگر "از روایت شعر و غزل در مسجد و مجالس ابائی نداشتند و حتی تشبیب و نسیب را هم با ذوق تمام روایت نموده می شنیدند"^۳.

در قرون بعدی عده ای از علمای جهان اسلام دارای ذوق ادبی سرشار بوده اند. این گروه علوم فقه، عقیده، حدیث، تفسیر، نحو، صرف، تجوید، میراث و امثالهم را در قالب شعر ریخته به صد ها و هزاران شعر به میراث گذاشتند. حتی بعضی از علوم را در قالب هزار بیت گنجانیده (الفیه) ها نوشته اند. این شیوه نه تنها در زبان عربی رایج بوده، بلکه در زبانهای فارسی، اردو و ترکی نیز میتوان مثالهای فراوانی در این راستا ارایه نموده.

اما گروهی نیز از همان صدر اسلام یا از سر بی ذوقی و یا هم از سطحی نگری با شعر و شاعران سر سازگاری نداشتند و شعر و شاعری را به دیده ای کم می دیدند. عقیده ای ایشان برین بود که قرآن علیه شعر و شاعری جبهه گرفته و شاعران را بنده ای هوا و هوس معرفی نموده و بعدم ثبات و استقامت در راه عقیده ای درست متهم نموده است. آیا این اتهام حقیقت دارد؟ آیا واقعا قرآن علیه هنر شعری سر ستیزه داشته است؟ و آیا بعد از آغاز اسلام همه ای شاعران سست ایمان و ضعیف باور بوده اند؟ در لابلای این مقاله ای فشرده کوشیده شده است تا به سوالهای مذکور جواب ارایه شود.

^۱ أبو الحسن بن الحجاج القشيري النيسابوري مسلم، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ، تحقيق. محمد فؤاد عبد الباقي (بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۹۹۱)، "فضائل الصحابة"، ۶۵۵۰.

^۲ محمد بن أحمد بن سالم السفاريني الحنبلي السفاريني، غناء الألباب في شرح منظومة الآداب (مصر: مؤسسة قرطبة، ۱۹۸۸)، ۱۸۵؛ أحمد محمد شاكر أبو الأشبال ابن قتيبة، الشعر والشعراء (قاهرة: دار الحديث، ۱۴۲۳)، ۱/۱۴۲.

^۳ السفاريني، غناء الألباب في شرح منظومة الآداب، ۱۸۵.

البته این طرز دید ها آبخور قرآنی و حدیثی دارد. ضمن تشویق و تحسین پیامبر (ﷺ) از شعر و شاعری روایت هایی در ذم شعر و شاعری نیز در کتب حدیثی بچشم میخورد. این روایت ها سبب شده است تا عده ای در قبال شعر و غزل یکسره بد بین شوند و اشتغال به آن را عبث پندارند. البته سر رشته ای این اختلاف نظر ها بر میگردد به نحوه ای فهم از متون قرآن و حدیث. در این مقاله کوشیده شده است تا این روایات مختلف مورد بررسی قرار گرفته، علت اصلی این اختلاف نظر ها را آشکار گردد. بعد از این مقدمه ای کوتاه حال می پردازیم به ذکر و تحلیل روایت های بارز و ظاهراً متضاد و بعد از آن با نتیجه گیری کوتاه بالای بحث نقطه ای پایان میگذاریم.

روایت های مخالف

طیفی که شعر و شاعری را بدیده ای انکار مینگرند، دلیل عمده ای ایشان این آیه ای کریمه است: ﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ، أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ﴾^۴ و شاعران (یاوه سرای کفار مانند عالمان بی عمل و مدعیان باطل) را مردم جاهل گمراه پیروی کنند، آیا ندیدی که آنها خود به هر وادی حیرت سرگشته اند؟ و آنها بسیار سخنان می گویند که یکی را عمل نمی کنند.^۴ این اولین و بزعم خود شان قوی ترین دلیل برای اثبات مذموم بودن شعر از قرآنست. بعد از این آیت ایشان به روایاتی از پیامبر (ﷺ) نیز متوسل شده اند که گویا در ذم شعر و شاعری ارایه شده است. ایشان در این باب حدیثی از ابن عمر (رض) روایت میکنند که پیامبر (ﷺ) چنین فرمودند: "لَا يَمْتَلِيءُ جَوْفُ أَحَدِكُمْ قِيحًا خَيْرَ لَهُ مِنْ أَنْ يَمْتَلِيءَ شِعْرًا" (اگر درون انسان پر از چرک باشد بهتر از آنست تا شعر پر باشد) این روایت را مسلم نیز از صحابی دیگری به الفاظ مشابهی نقل کرده است.^۵ متصل بعد از این مسلم روایت دیگری را نیز از زبان ابو سعید خدری (رض) چنین روایت میکند. "بَيْنَا نَحْنُ نَسِيرُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْعَرَجِ إِذْ عَرَضَ شَاعِرٌ يُنْشِدُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "خُذُوا الشَّيْطَانَ، أَوْ أَمْسِكُوا الشَّيْطَانَ لَأَنْ يَمْتَلِيءَ جَوْفُ رَجُلٍ قِيحًا خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَمْتَلِيءَ شِعْرًا".^۶ هنگام سیر با پیامبر (ﷺ) در عرج، شاعری شعر در حالیکه شعر می سرود با ما ملاقی شد، پیامبر (ﷺ) فرمود: بگیرد - و یا هم بسته کنید - این شیطان را! اگر درون انسان پر از چرک باشد بهتر از آنست تا شعر پر باشد.^۷ روایت دیگری را هم احمد بن حنبل در مسند خویش علیه شاعر نامدار جاهلی امرؤ القیس چنین درج نموده است. "امرؤ القیس صاحب لواء الشعراء إلى النار" "امرؤ القیس حامل لواء شاعران بسوی جهنم است"^۷ این روایت را ابن عدی نیز با

^۴ الشعراء ۲۶/۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶.

^۵ مسلم، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ، "الشعر"، ۶۰۳۰.

^۶ مسلم، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ، "الشعر"، ۶۰۳۲.

^۷ ابو عبد الله احمد بن محمد بن حنبل الشيباني، مسند الامام أحمد بن حنبل، تحقيق. أحمد محمد شاكر (قاهرة: دار الحديث، ۱۹۹۵)، ۵۳۱/۶.

الفاظ مشابه در کتابش ذکر نموده است.^۸ در این باب روایت هایی از زجر و توبیخ و حتی حبس بعضی از شاعران هجو سرا توسط عمر (ض) نیز نقل شده است. از جمله زجر و توبیخ حطیئه (جروس بن اوس) و نجاشی الحارثی (قیس بن عمرو) توسط عمر (ض) را یاد نموده اند و وانمود کرده اند که عمر (ض) شعر ستیز بوده است.^۹ بعضی دیگر با آنکه مخالف شعر و شاعری نبوده اند، اما شعر را نازل تر از شان و مقام علما دانسته، اشتغال به شعر را کسر ابهت و حشمت علمای دین دانسته اند. حتی بیتی را به امام شافعی (رح) نسبت داده اند که گویا گفته باشد: "ولو لا الشعر للعلماء یزیر لکنت الیوم أشعر من لبید" اگر شعر گفتن نقص شان علما نمی بود، حال من شاعر تر از لبید بودم.^{۱۰} این الفاظ ضد شعری نیز ضمن روایت طولی به این گونه نقل شده اند: "فلما نشأت بغضت إلی أوثان قریش، وبغضت إلی الشعر" وقتی بزرگ شدم بتهای قریش برایم مبعوض شد، همچنان شعر برایم مبعوض شد.^{۱۱} حدیث دیگری را نیز شداد بن اوس در این ارتباط چنین روایت نموده است: "من قرض نیت شعر بعد العشاء الآخرة، لم تقبل له صلاة تلك الليلة" کسی که یک بیت شعر هم بعد از نماز خفتن بزیان آرد، در آن شب نمازی از وی مورد قبول قرار نمیگیرد.^{۱۲} این حدیث را احمد بن حنبل،^{۱۳} طبرانی^{۱۴} و بزار^{۱۵} در کتاب های خویش نقل کرده اند. روایت های دیگری نیز از این قبیل میتوان سراغ کرد که مخالف شعر و شاعری است. اما مشهور ترین روایت هایی که اکثرا مخالفان هنر شعر و شاعری به آن استدلال می نمایند همین ها بودند که ذکر کردیم. حال می پردازیم به ذکر روایت های موافق.

روایات موافق

ضمن روایات به ظاهر منفی که در فوق ذکرشان رفت، روایت های دیگری نیز به نفع و حتی تشویق شعر و شاعران در کتب حدیث به چشم می خورد. موافقان هنر شعر برای دفع ادعای مخالفان نه تنها به آیات قرآنی، بلکه به احادیث پیامبر (ﷺ) و برخورد صحابه نیز توسل بسته اند. حال ما به ذکر

^۸ عبد الله بن عدي الجرجاني أبو أحمد ابن عدي، الكامل في ضعفاء الرجال، تحقيق. عادل أحمد عبد الموجود (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۹۹۷)، ۱۳۵/۵.

^۹ ابن قتيبة، الشعر والشعراء، ۳۱۹/۱.

^{۱۰} عمادالدين اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقي ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، تحقيق. محمد حسين شمس الدين (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۹)، ۳۸؛ أحمد بن الحسين البيهقي البيهقي، مناقب الشافعي، تحقيق. سيد أحمد صقر (قاهرة: مكتبة دار التراث، ۱۹۷۰)، ۶۲/۲.

^{۱۱} ابوبكر محمد بن حسين آجری آجری، الشريعة، تحقيق. عبد الله بن عمر بن سليمان الدميحي (رياض: دار الوطن، بي تا)، ۱۴۲۲/۳.

^{۱۲} الشيباني، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۳۵۷/۲۸.

^{۱۳} سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي أبو القاسم الطبراني، المعجم الكبير، تحقيق. حمدي بن عبد المجيد السلفي (قاهرة: مكتبة ابن تيمية، ۱۹۹۴)، ۲۷۸/۷.

^{۱۴} أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خلاد بن عبيد الله العتكي بزار، مسند البزار، تحقيق. محفوظ الرحمن زين الله (مدینه منوره: مكتبة العلوم، ۲۰۰۹)، ۴۰۱/۸.

بارز ترین دلایل موافقان شعر می پردازیم. اول اینکه در ادامه ای آیات مخالف استثنائی اینگونه وجود دارد: "مگر آن شاعران که اهل ایمان و نیکوکار بوده و یاد خدا بسیار کردند و برای انتقام از (هجو) و ستمی که در حق آنها (و سایر مؤمنان) شده (به نظم سخن و طبع شعر) به انتقام و دفاع برخاستند (و به شمشیر زبان با دشمنان دین جهاد کردند، آنان را مؤمنان پیروی خواهند کرد".^{۱۵} البته این استثنا دلالت بر اباحت و جواز شعر و شاعری است. دلیل قوی دوم تشجیع و حتی دعای پیامبر علیه السلام برای حسان بن ثابت است که آن را بخاری^{۱۶} نسایی^{۱۷} احمد بن حنبل^{۱۸} ابن بلبان^{۱۹} ابن ابی شیبہ^{۲۰} و بعضی دیگر از محدثین در تالیفات خویش نقل کرده اند. روایت مذکور چنین است: "أَمَجُّ الْمُشْرِكِينَ، فَإِنَّ رُوحَ الْقُدُسِ مَعَكَ" "مشركان را هجو كن! جبریل با توست". طرفداران هنر شعری دلیل دیگری را نیز از كتب ابو يعلاى موصلى^{۲۱} دار قطنى^{۲۲} و بیهقى^{۲۳} از زبان حضرت عایشه (ض) روایت میکنند که از پیامبر (ﷺ) در باره ای شعر سوال شد، وی چنین فرمودند: "هُوَ كَلَامٌ، فَحَسَنُهُ حَسَنٌ وَقَبِيحُهُ قَبِيحٌ" "شعر سخن است، زیباییش زیبا و نا زیباییش نا زیباست". همچنان روایت شده است که کعب ابن زهیر نزد پیامبر (ﷺ) قصیده ای مشهور بنام "برده" را تقدیم نمود که ضمن جنبه ای غزلی با انکار و مخالفت پیامبر (ﷺ) رو برو نشد، حتی شاعر آن مورد تحسین و تکریم قرار گرفت.^{۲۴} البته پوشیده نیست که شعر در زمان جاهلی و حتی در زمان خود پیامبر (ﷺ) حیثیت و قوت تاثیر رسانه های امروزی را داشت. البته صحابه ای کرام و خود پیامبر (ﷺ) از این تاثیر بسزای شعر و شاعری بالای نفوس مردم غافل نبودند و هر از گاهی از همین وسیله ای قوی، جهت

^{۱۵} الشعراء ۲۶/۲۲۷.

^{۱۶} البخاري، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه، "كتاب المغازی"، ۲۸.

^{۱۷} أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني النسائي، سنن النسائي، تحقيق. عبد الفتاح أبو غدة (حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية، ۱۹۸۶)، "كتاب المناقب"، ۸۲۳۶.

^{۱۸} ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۵۹۷/۳۰.

^{۱۹} علي بن بلبان الفارسي الأمير علاء الدين ابن بلبان، الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان، تحقيق. شعيب الأرناؤوط (بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۸)، ۹۶/۱۶.

^{۲۰} أبو بكر بن أبي شيبة، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي العبسي، المصنف في الأحاديث والآثار، تحقيق. كمال يوسف الحوت (رياض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹)، ۲۷۳/۵.

^{۲۱} أحمد بن علي بن المثنى الموصلي أبو يعلى أبو يعلى، مسند أبي يعلى الموصلي، تحقيق. حسين سليم أسد (دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۹۸۴)، ۲۰۰/۸.

^{۲۲} علي بن عمر بن أحمد بن مهدي، أبو الحسن الدارقطني الشافعي الدارقطني، سنن الدارقطني، تحقيق. شعيب الارنؤوط (بيروت: مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۴)، ۲۷۴/۵.

^{۲۳} أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجَرْدِي الخراساني أبو بكر البيهقي، السنن الكبرى، تحقيق. محمد عبد القادر عطا (بيروت: دار الكتب العلمية، ۲۰۰۳)، ۴۰۵/۱۰.

^{۲۴} أبو بكر بن العربي المالكي الإشبيلي ابن العربي، أحكام القرآن، تحقيق. محمد عبد القادر عطا (لبنان: دار الكتب العلمية، ۲۰۰۳)، ۴۶۹/۳.

دهنده و پر تاثیر استفاده میکردند. به همین مناسبت روایت دیگری از عایشه (ض) نقل شده است که در بیان فهم تاثیر شعر بالای مردم آن زمان و استفاده ای پیامبر (ﷺ) ازین حربه ای کاری اهمیت بسزایی دارد. در این روایت دیده میشود که پیامبر (ﷺ) از عبد الله بن رواحه، کعب بن مالک و در اخیر از حسان بن ثابت خواسته است تا مشرکین متعرض مکه را هجو گویند. در بیان تاثیر و قوت شعر چنین فرموده است: "اهْجُوا قُرَيْشًا، فَإِنَّهُ أَشَدُّ عَلَيْهَا مِنْ رَشْقٍ بِالنَّبْلِ" "مشرکان را هجو کنید، جز این نیست که شعر بالای ایشان از باران تیر سخت تر است" ^{۲۵} موافقان گویند با وصف اینکه خداوند پیامبرش را بخاطر دفع اتهام از شعر و شاعری دور داشته بود ^{۲۶} اما این بدان معنا نیست که پیامبر (ﷺ) با شعر میانه ای خوبی نداشته است. چون می بینیم که پیامبر (ﷺ) بعضی از اصحاب را به شعر گفتن تشویق میکرد؛ در بعضی حالات یکی و یا دو واژه ای از شعر شاعری را یاد آور میشد تا شاعر تشویق و تحریک شود و ادامه ای شعر را بزیان آرد. حتی گاهی هم از صاحبان ذوق شعری درخواست مینمود تا اشعاری از دوره ای جاهلیان نزدش بخوانند. ایشان هم به ده ها بیت نزدش می خواندند. ^{۲۷} گاهی هم پیامبر (ﷺ) شعری از لبید در باره ای اثبات وحدانیت و قدرت الهی به گوشش رسید و مورد پسندش واقع شد. حتی آن را چنین تکرار و تایید نمود: "راست ترین سخن را لبید در شعرش چنین بیان داشته است: آگاه باشید! غیر از خداوند (ﷻ) هر چیز باطل است، و بدون شک که هر نعمتی زوال پذیر است" ^{۲۸}

اکثریت صحابه ای کرام نیز از قریحه ای شعری و طبع سرشار برخوردار بودند و از شعر و نثر و جوامع الکلم لذت می بردند. حتی به ده ها شاعر بین صحابه رسول وجود داشت. از جمله میتوان به حسان بن ثابت، عبد الله بن رواحه، زبرقان بن بدر و به ده ها تن شاعر دیگر اشارت نمود. البته کسی نمی تواند از رونق تمام عیار شعر و شاعری و تذوق سائد شعری و نثری در بین صحابه وخیمه ای سرخ رنگ نابغه ای ذبیانی که برای حکمیت و نقد شعر در بازار عکاظ برپامیشد، چشم پوشد. ^{۲۹} حضرت عمر (ض) با وصف اینکه تذوق شعری داشت و غث و ثمین شعر را درست درک میکرد و حتی در باره ای شعرای جاهلی هم نظر ارایه می نمود، ^{۳۰} گاهی دیده میشد که که روایت و نقل شعر را در داخل مسجد به دیده ای انکار می دید. روایت کرده اند که روزی حسان بن ثابت (ض) در داخل مسجد نبوی شعر

^{۲۵} مسلم، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ، "فضائل الصحابة"، ۶۵۵۰.

^{۲۶} یس ۳۶/۶۹.

^{۲۷} ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۲۱۷/۳۲.

^{۲۸} البخاری، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه، "بدء الوحي"، ۲۶.

^{۲۹} محمد بن محمد بن محمد بن أحمد ابن سید الناس، منح المدح، تحقیق. عفت وصال حمزه (دمشق: دار الفكر، ۱۹۸۷)، ۸.

^{۳۰} ابن رشيق القيرواني ابن رشيق، العمدة في محاسن الشعر وآدابه، تحقیق. محمد محيي الدين عبد الحميد (قاهرة: دار الجيل، ۱۹۸۱)،

۹۴/۱.

می خواند. عمر (ض) ویرا توییح نموده فرمود: "آیا در داخل مسجد آوازت را مانند آواز شتر بلند میکنی؟ حسان بن ثابت (ض) در جواب وی چنین فرمود: ای عمر! مارا بحال خود مان بگذار. تو خوب میدانی که من در این مسجد نزد کسی که از تو مرتبه و مقامش بلند بود، شعر می خواندم و ایشان بالای من ایرادی نمی گرفتند. عمر (ض) گفت: راست میگوئی".^{۳۱} حدیث دیگر از جابر بن سمره (ض) روایت شده است که جالب دقت است. وی میگوید: "من بیش تر از صد بار شاهد بودم که یاران پیامبر (ﷺ) در حضور وی و در مسجد نبوی با یکدیگر شعر می گفتند و اموری را از زمان جاهلیت یاد میکردند، پیامبر (ﷺ) تبسم میکرد"^{۳۲} بسیاری از صحابه ای کرام از جمله عبد الله بن عباس (ض) که ملقب به حبر امت و ترجمان قرآن بود، از شنیدن و روایت شعر نسیب و تشبیب لذت میبرد و حتی در داخل مسجد نبوی عمر ابن ابی ربیع را تشویق میکرد تا غزل های خویش را روایت کند.^{۳۳} در مورد تایید هنر شعری دلائل فراوان دیگری را هم میتوان ذکر نمود که در کتاب های حدیث و غیرآن بگونه ای متفرق ارایه شده اند، اما از خوف طولانی شدن بحث، ما به براهین فوق که از مهمترین دلائل در این باب اند، اکتفا میکنیم و می پردازیم به تحلیل روایات موافق و مخالف هنر شعری.

تحلیل روایت ها

قبل از همه به تحلیل آیات و روایاتی می پردازیم که مخالفان هنر شعر و شاعری به آن توسل جسته اند. در باره ای آیاتی که ظاهراً علیه هنر شعری بکار برده میشوند باید یاد آور شد که اکثریت قاطع علمای اسلام این آیات توییحی را که در اخیر سوره ای شعراء مذکورند، مربوط شعرای مشرکین و کفار دانسته اند.^{۳۴} که توسط شعر علیه دین اسلام جبهه گرفتند، پیامبر (ﷺ) را هجو نموده آزرده و در پوشیدن تعالیم اسلامی هنر شعر را ابزار قرار دادند.^{۳۵} ایشان به این هم بسنده نکرده، به هجو زنان عقیفه ای مسلمان نیز زبان گشودند.^{۳۶} ضمن این باید دانست که مشرکان هر از گاهی قرآن را سخن شاعر میگفتند، این آیات در حقیقت بیانگر آنست که پیامبر شاعر نیست و نوای قرآن با شعر هیچ سنخیتی ندارد. در باره ای حدیث ابن عمر (ض) نیز اکثریت علما بدین باورند که این حدیث مربوط شعریست که مستهجن و فاحش باشد. امام شافعی (ح) در باره ای حدیث مذکور چنین اظهار نظر نموده است: "این حدیث

^{۳۱} محي الدين الدرويش الدرويش، إعراب القرآن و بيانه (دمشق: دار الإرشاد للشئون الجامعية، ١٤١٥)، ١٥١/٧.

^{۳۲} ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ٤٣٦/٣٤؛ ابن أبي شيبة، المصنف في الأحاديث والآثار، ٢٧٨/٥.

^{۳۳} محمد بن يزيد مبرد مبرد، الفاضل (قاهرة: دار الكتب المصرية، ١٤٢١)، ١١.

^{۳۴} محمد بن جرير الطبري، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، تحقيق. الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي (بي جاز: دار هجر، ٢٠٠١)،

٦٧٢/١٧.

^{۳۵} ابن رشيق، العمدة في محاسن الشعر وآدابه، ٨١/١.

^{۳۶} مسلم، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ، "كتاب الجهاد والسير"، ١١٩.

مربوط شعریست که محتوایش فحش و هجا و دروغ باشد؛ همچنان شخص شغل شاغلش شعر باشد، بگونه ای که از علوم قرآنی و دینی ویرا دور کند.^{۳۷} حدیث امتلاء بطن از شعر با وصف اینکه از نگاه سند صحیح است، اما کاربرد این حدیث صحیح از جانب مخالفان هنر شعری بیجا بوده است. باید گفت که این وعید و ذم مربوط کسانی میشود که هزاران اشعار مدح، قدح، فخر، هجا و استهجان را حفظ میکنند، بگونه ای که برای دل و دماغشان جایی برای قرآن و سنت سنی و دیگر متون ارزشمند نمی ماند. این طایفه ازینکه اهم را - که عبارت از نصوص قرآن و حدیث است - نا دیده گرفته و به سخنان لا طائل مشغول شده اند، مستحق این ذم اند.^{۳۸} ورنه در ازنای تاریخ اسلام به صد ها عالم دین را میتوان سراغ کرد که ضمن اتقان نصوص قرآنی هزاران شعر نیز حفظ نموده اند و خود هم به هزاران شعر از خویشتن بیادگار گذاشته اند. نووی (ح) در باره ای حدیث ابو سعید خدری (ض) به نکته ای جالبی اشاره نموده میگوید: "بعضی ها به این حدیث استدلال نموده هر گونه شعر را مکروه پنداشته اند، این درست نیست. تمام اجماع علما برین است که شعر سرودن و حفظ کردن مباح است در صورتی که عاری از فحش و نفرین باشد".^{۳۹} در رابطه به حدیثی که در باره ای امرؤ القیس نقل شده است، احمد محمد شاکر محقق نامدار گفته است که سند این حدیث نهایت ضعیف است، به صورتی که نمی توان توسط آن احتجاج نمود.^{۴۰} راجع به عمل کرد تویخی و تعزیری عمر (ض) در قبال بعضی از شاعران باید گفت که همه ای آن وقایع مربوط شاعرانی بوده است که هجو و یا فحش می سراییده اند و تویخ زبانی عمر (ض) نیز بعد از شکایت مهجو صورت گرفته است.^{۴۱} ازینکه در فوق از ذوق شعری عمر (ض) و تعامل وی با شعر و شعرا سخنی چند گفتیم، لذا در این جا از اعلام معلوم ابا می ورزیم. ابن کثیر در باره ای حدیث شداد بن اوس که در آن از عدم قبول نماز عشاء سراییده ای شعر سخن رفته است، چنین اظهار نظر نموده است: "این حدیث از این وجه غریب است و هیچ یک از مؤلفین صحاح سته آن را در کتاب خویش درج ننموده اند".^{۴۲} پس دانسته میشود که از منظر ابن کثیر حدیث مزبور ضعیف شمرده شده است.

شافعی (ح) ضمن بزرگی و منزلت عالی فقهی و حدیثی خویش خود به هزار ها شعر عربی از بر داشته است. وی به خصوص راوی شعر های قبیله ای هذیل بوده است. شافعی (ح) تنها راوی محض

^{۳۷} أبو الحسن علي بن محمد الماوردي، تفسير الماوردي - النكت والعيون، تحقيق. لسيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم (بيروت: دار الكتب العلمية، بي تا)، ۲۰۸/۱۷.

^{۳۸} السفاريني، غناء الألباب في شرح منظومة الآداب، ۱۱/۲.

^{۳۹} يحيى بن شرف النووي محي الدين أبو زكريا النووي، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج (بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۳۹۲)، ۵۳۰/۶.

^{۴۰} ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۵۳۰/۶.

^{۴۱} ابن قتيبة، الشعر والشعراء، ۳۱۶.

^{۴۲} ابن کثير، تفسير القرآن العظيم، ۵۹۱/۶.

اشعار ایشان نبوده، بلکه اشعار هذیلیان را با اعراب و معانی واژه های غریب خوب میدانسته. حتی راوی مشهور شعر اصمعی نقل کرده است که وی اشعار هذیلیان را نزد شافعی فرا گرفته است.^{۴۳} همه میدانیم که امام شافعی (ح) دارای قریحه ای سرشار بود، ابیات فراوانی نیز از وی بیادگار مانده است. اگر شافعی شعر را واقعا مناسب حال و شان علما نمی دانست، نه روایت میکرد و نه هم می نوشت. این در حالیست که دیوانی ولو کوچک از وی بما رسیده است. به همین مناسبت بعید است بیت مذکور که شعر را انتقاص قدر علما میداند، از وی صادر شده باشد.

مسند قوی دیدگاه موافقان هنر شعر و شاعری قبل از همه، همان استثنایی است که در آیه (۲۲۷) سوره شعراء ذکر گردیده است. این چنان واضح و روشن است که هیچ دلیلی برای زشت انگاشتن وحتى مکروه پنداشتن هنر شعر و شاعری باقی نمیگذارد. همچنان احادیث تشویق حسان بن ثابت (ض) از جانب پیامبر (ﷺ) در کتب مختلف حدیث به الفاظ نزدیک و قریب بهم وارد شده که در فوق ذکر منابع آن رفت که در صدر راویان این احادیث بخاری و مسلم قرار دارند. بنابر این احادیث مذکور از نگاه درجه ای ارزشی هم صحیح شمرده شده اند.^{۴۴} حدیثی را عایشه (ض) در باره حُسن و قُبْح شعر روایت نموده است نیز از نگاه سند صحیح است.^{۴۵} حدیث سرودن شعر از جانب کعب ابن زهیر در مسجد نبوی نیز اسانید زیادی دارد که بعضی از آنها به درجه ای صحت نائل شده اند.^{۴۶} قرطبی (ح) در باره ای قصیده کعب ابن زهیر که آن را در حضور پیامبر (ﷺ) در مسجد نبوی تقدیم نمود، به نکته ای جالبی اشاره نموده چنین گفته است: "در این قصیده هر گونه استعارات بدیع وارد شده است، در حالیکه کعب ابن زهیر لعاب دهان معشوق را به شراب تشبیه کرده بود، پیامبر (ﷺ) به وی گوش فراداد و هیچ انکاری نکرد".^{۴۷}

مورد دیگر اینکه که میتواند ادعا کند که اصحاب پیامبر (ﷺ) با هنر شعر و شاعری سر دشمنی داشتند و این صفحه ای زرین تاریخی، ادبی و شفاهی را که از نسل های قبلیسلستا به ایشان رسیده بود کنار گذاشته اند؟ درست است که نزول قرآن رونق شعر را تا حدی ضعیف نمود و نسل نوین را مشغول خویش کرد، اما کسی میتواند بین شعر و نثر بشری و سبک و نظم آیات قرآنی فرق قائل شود که دارای

^{۴۳} ابی سعید حسن بن حسین سکری، شرح أشعار الهذلیین، تحقیق. عبدالستار أحمد فراج - محمود محمد شاکر (قاهره: مطبعة مدنی، ۱۹۶۵)، ۳/۱.

^{۴۴} البخاری، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه، "كتاب المغازی"، ۲۸.

^{۴۵} محمد ناصر الدین الالبانی، سلسلة الأحادیث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها (ریاض: مكتبة المعارف، ۲۰۰۲)، ۱/۸۰۸.

^{۴۶} أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني الحاكم، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق. مصطفی عبد القادر عطا (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۰)، ۳/۶۷۳.

^{۴۷} ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر القرطبي، الجامع لأحكام القرآن، تحقیق. أحمد البردوني - إبراهيم أطفیش (قاهره: دار الکتب المصریة، ۱۹۶۴)، ۱۳/۱۴۷.

لطف طبع سخن گفتن تازی باشد. حتی کسانی که در آن زمان حس شاعری هم نداشتند در تمییز کلام غث و ثمین دارای ذوق سرشار بودند. در این ارتباط سخنان عتبه بن ربیعہ را نباید از یاد برد: "قسم بخدا سخنی را شنیدم که قبلاً هرگز مانند آن را نشنیده بودم. بخدا قسم که این کلام نه شعر است و نه سحر است و نه کهنات".^{۴۸} حتی کسانی که پیامبر (ﷺ) را به شاعری هم متهم میکردند، به شهادت قرآن میدانستند که دروغ می‌بندند و با خدا عناد می‌ورزند.^{۴۹} حدیث جابر بن سمره هم که در آن از رد و بدل شدن و ذکر اشعار جاهلی نزد صحابه سخن رفته است، از نگاه درجه ای ارزشی حدیث حسن است.^{۵۰} ابن عباس که لقب ترجمان القرآن را بخود اختصاص داده بود، (ض) حتی شعر تشبیب و نسیب را عبث نمی‌دانست چه رسد به شعر حماسی و اخلاقی و فلسفی و غزل عذری! ابن عباس (ض) در داخل مسجد به اشعار غزلی ابن ابی ربیعہ گوش میداد و ویرا به گفتن شعر شویق میکرد، این در حالی است که روزی نافع بن الازرق- که بعداً یکی از پیشوایان خوارج گردید- ویرا بخاطر شنیدن غزل عمر ابن ابی ربیعہ زجر زبانی هم کرد، اما جواب ابن عباس برایش چنین بود: "ما آن را بدیده ای خوب می‌بینیم".^{۵۱} یعنی اینکه تو (نافع بن الازرق) گوئی عبث است، نزد ما عبث نیست. علمای اسلام عموماً تشبیب و نسیب را وقتی محرم دانسته اند که شاعر زن اجنبی مخصوص و معروف را با نامش هدف قرار دهد و در جامعه شهرش کند.^{۵۲} روایت عایشه (ض) که در آن پیامبر (ﷺ) هجو را به تیر باران تشبیه کرده است نیز از نگاه سند نزد علمای حدیث صحیح شمرده شده است.^{۵۳} تکرار شعر لید از جانب پیامبر (ﷺ) و تحسین آن نیز از روایات موثق است که در بخاری مذکور است و شبهه ای در صحت آن روایت نیست.^{۵۴} عکس العملی که عمر (ض) گه گاهی از خود در مقابل حسان بن ثابت (ض) و یا شاعران دیگر در حین نظم و یا انشاد شعر در داخل مساجد و جاهای دیگر بروز میداد، برخاسته از طبیعت و سرشت منحصر به فرد خود وی بود. به اینکه ما شاهد عکس العمل های فوری، جلالی و قاطع عمر (ض) در بسیاری از قضایای دیگر نیز هستیم که در کتب حدیث بصورت آشکار قابل دید اند. به عبارت بهتر، هشدار و توبیخ عمر (ض) را در زمینه هنر شاعری میتوان به سرشت شخصی وی ربط داد تا غیر شرعی بودن. در راستای تأیید و موافقت دین اسلام با هرگونه هنر و زیبایی آیات و روایات فراوان دیگری نیز وجود دارد که ذکر آن از حوصله

^{۴۸} محمد بن اسحاق بن یسار ابن اسحاق، سیره ابن اسحاق، تحقیق. سهیل زکار (بیروت: دار الفکر، ۱۹۷۸)، ۲۰۸.

^{۴۹} الأنعام ۶/۱۲۳.

^{۵۰} ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۴۳۶/۳۴.

^{۵۱} عباس محمود عقاد، شاعر الغزل عمر ابن ابی ربیعہ (مصر: دار المعارف، ۱۹۶۴)، ۱۵.

^{۵۲} السفارینی، غداء الألباب فی شرح منظومة الآداب، ۱۸۰.

^{۵۳} مسلم، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ، "فضائل الصحابة"، ۱۵۷.

^{۵۴} البخاری، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه، "كتاب الأدب"، ۹۰.

ای این مقاله ای فشرده خارج است؛ و ما درین راستا به مشهور ترین و متداول ترین روایات و اقوال بسنده کردیم.

دور از هر نوع پیش داوری از تحلیل همه جانبه ای دلایل موافق و مخالف میتوان به این نتیجه رسید که روایات موافق هنر شعر و شاعری هم از نگاه سند و ثبوت قوی تر اند و هم از نگاه موافقت به سرشت انسانی ای که میال به زیبایی و کمالست. روایات قوی و صحیحی که مخالفان به آن استناد نموده بر علیه هنر شعر و شاعری استدلال کرده اند، درحقیقت تحریف معنی شده اند و بگونه ای سلیقه ای و سطحی مورد کار برد قرار گرفته اند. اگر هنر شعر و شاعری در ذات خویش زشت و حرام می بود، این همه علمای بزرگ به هنر شعر و شاعری هیچ میلی نمی کردند و به هزاران شعر در ساحات مختلف علمی نمی نوشتند. بنا برین در رابطه به مسائل اختلافی باید تمام روایات بگونه ای علمی و دقیق مورد بررسی قرار گرفته شود تا نتیجه ای مطلوب بدست آید.

نتیجه

از لابلای تحلیل روایت ها و جنبه های زیبایی شناسی قرآن دانسته میشود که اسلام برای تکامل و عروج روحی و جسمی انسانها اهمیت بسزائی قائل است. همانگونه ای که اسلام با دیگر هنر ها مانند نقاشی، صورتگری، میناتوری، خطاطی، تفنن درهنر عمارت و بنیان مخالفتی ندارد، هر هنر دیگری هم که به بندگی خدا، همبستگی انسانی، تعالی ارزشهای فرا زمانی و مکانی، رشد هنر و فرهنگ، ارتقای زیبایی ها، تغذیه ای روح روان، تصویر جسم و جان و بال پر گشادن خیل خیال کمک کند، نزد اسلام ارزشمند و ارجمند است. البته هدف از رسالت اسلام هم اینست تا روح افراد را تعالی بخشد، قلب ها را مهذب کند، طبع ها را سلیم نماید. نباید از یاد برد که به ده ها هزار شعر در ساحه ای عرفان اسلامی از طرف نامداران بزرگ اسلام سروده شده است. این گنجینه های عظیم و بی پایان عرفانی که سرایندگان علمای بزرگی بوده اند، نه تنها بالای مسلمانان، بلکه بالای روح و روان همه ای بشریت تاثیر بسزائی داشته اند و در رساندن رسالت اصلی اسلام و صیقل ارواح مردمان نقش عمده داشته اند. بنابر این هنر شعر یکی از ارکان اساسی و زیربنای بنیان تمدن اسلامی بشمار میرود که هدم آن و یا نادیده گرفتن آن در حقیقت چشم پوشی از بدنه ای مهم فرهنگ اسلامی است.

در هیچ دوری از ادوار تاریخ سردمداران اسلامی مخالفت با هنر شعر و شاعری نکرده، بلکه برای رشد و تقویت این فن شریف هزینه ها کرده اند. حتی در مقابل شاعرانی که حدود عرف و عادات اجتماع را زیر پا کرده و یا هم جوانب منفی اجتماعی را بزبان کنایه و طنزهای زننده و تلخ بیان نموده اند، از راه مسامحه و مدارا پیش آمده اند. گه گاهی هم اگر بعضی از شاعران مورد توبیخ و زجر قرار گرفته اند برای حفظ حقوق فردی و اجتماعی و تامین عدالت بوده است، نه غیره. گفته اند که نقاشی و یا صورتگری

هنریست خاموش، اما شعر صورتگری ای پر غوغاست. آیا میتوان ادعا نمود که اسلام ضد این نوا و صدائیت که از نگاه لطافت ماده لطیف تر و به معنی نسبت به همه ای هنرها نزدیک تر است؟ که میتواند ادعا کند که اسلام با همه لطافت ها و ظرافت هایی که در خود دارد، مخالف هنریست که ذهن را وقاد، جسم را نشاط و هوش و خیال را بال و پر میدهد و رنگ و بو میبخشد و فکر بکر را بر سر شاخسار سخن می نشانند؟

منابع

- آجری، ابوبکر محمد بن حسین. الشریعة. تحقیق. عبد الله بن عمر بن سلیمان الدمیجی. ریاض: دار الوطن، الطبعة الثانية، بی تا.
- أبو یعلی، أحمد بن علی بن المثنی الموصلي. مسند أبي یعلی الموصلي. تحقیق. حسین سلیم أسد. دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۹۸۴.
- ابن ابی شیبہ، أبو بکر، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي العبسي. المصنف في الأحادیث والآثار. تحقیق. کمال یوسف الحوت. ریاض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹.
- ابن اسحاق، محمد بن یسار. سيرة ابن إسحاق. تحقیق. سهیل زکار. بیروت: دار الفکر، ۱۹۷۸.
- ابن العربی، أبو بکر بن المالکي الإشبيلي. أحكام القرآن. تحقیق. محمد عبد القادر عطا. لبنان: دار الکتب العلمية، الطبعة الثالثة، ۲۰۰۳.
- ابن بلبان، علی بن الفارسي الأمير علاء الدين. الإحسان في تقریب صحیح ابن حبان. تحقیق. شعيب الأرناؤوط. بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۸.
- ابن حنبل، ابو عبد الله احمد بن محمد. مسند الإمام أحمد بن حنبل. تحقیق. أحمد محمد شاکر. قاهره: دار الحديث، ۱۹۹۵.
- ابن رشيق، القيرواني. العمدة في محاسن الشعر وآدابه. تحقیق. محمد محيي الدين عبد الحميد. قاهره: دار الجيل، الطبعة الخامسة، ۱۹۸۱.
- ابن سيد الناس، محمد بن محمد بن محمد بن أحمد. منح المذح. تحقیق. عفت وصال حمزه. دمشق: دار الفکر، ۱۹۸۷.
- ابن عدي، عبد الله الجرجاني أبو أحمد. الكامل في ضعفاء الرجال. تحقیق. عادل أحمد عبد الموجود. بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۹۹۷.
- ابن قتيبة، أحمد محمد شاکر أبو الأشبال. الشعر والشعراء. قاهره: دار الحديث، ۱۴۲۳.
- ابن کثیر، عمادالدين اسماعيل بن عمر بن کثیر دمشقی. تفسير القرآن العظيم. تحقیق. محمد حسین شمس الدين. بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۱۹.
- الالباني، محمد ناصر الدين. سلسلة الأحادیث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها. ریاض: مكتبة المعارف، ۲۰۰۲.
- البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل. الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه. تحقیق. محمد زهير بن ناصر ابن ناصر. بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲.
- البيهقي، أحمد بن الحسين. مناقب الشافعي. تحقیق. سيد أحمد صقر. قاهره: مكتبة دار التراث، ۱۹۷۰.

البهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسرُوْجَردي الخراساني أبو بكر. السنن الكبرى. تحقيق. محمد عبد القادر عطاء. بيروت: دار الكتب العلمية، ٢٠٠٣.

الحاكم، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نُعيم بن الحكم الضبي الطهماني. المستدرک على الصحيحين. تحقيق. مصطفى عبد القادر عطاء. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٩٩٠.

الدارقطني، علي بن عمر بن أحمد بن مهدي، أبو الحسن الشافعي. سنن الدارقطني. تحقيق. شعيب الارنؤوط. بيروت: مؤسسة الرسالة، ٢٠٠٤.

الدرويش، محي الدين. إعراب القرآن وبيانه. دمشق: دار الإرشاد للشئون الجامعية، الطبعة الرابعة، ١٤١٥. السفاريني، محمد بن أحمد بن سالم الحنبلي. غذاء الألباب في شرح منظومة الآداب. مصر: مؤسسة قرطبة، الطبعة الثانية، ١٩٨٨.

الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي أبو القاسم. المعجم الكبير. تحقيق. حمدي بن عبد المجيد السلفي. قاهرة: مكتبة ابن تيمية، الطبعة الثانية، ١٩٩٤.

الطبري، محمد بن جرير. جامع البيان عن تأويل آي القرآن. تحقيق. الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي. بي جا: دار هجر، ٢٠٠١.

القرطبي، ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابي بكر. الجامع لأحكام القرآن. تحقيق. أحمد البردوني - إبراهيم أطفيش. قاهرة: دار الكتب المصرية، ١٩٦٤.

الماوردي، أبو الحسن علي بن محمد. تفسير الماوردي - النكت والعيون. تحقيق. السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم. بيروت: دار الكتب العلمية، بي تا.

النسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني. سنن النسائي. تحقيق. عبد الفتاح أبو غدة. حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية، ١٩٨٦.

النووي، يحيى بن شرف محي الدين أبو زكريا. المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج. بيروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الثانية، ١٣٩٢.

بزار، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خلاد بن عبيد الله العتكي. مسند البزار. تحقيق. محفوظ الرحمن زين الله. مدينة منورة: مكتبة العلوم، ٢٠٠٩.

سكري، ابي سعيد حسن بن حسين. شرح أشعار الهذليين. تحقيق. عبدالستار أحمد فراج - محمود محمد شاكر. قاهرة: مطبعة مدني، ١٩٦٥.

عقاد، عباس محمود. شاعر الغزل عمر ابن أبي ربيعة. مصر: دار المعارف، ١٩٦٤.

مبرد، محمد بن يزيد. الفاضل. قاهرة: دار الكتب المصرية، الطبعة الثالثة، ١٤٢١.

مسلم، أبو الحسن بن الحجاج القشيري النيسابوري. المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم. تحقيق. محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٩٩١.